ختنه

دانش پژوه، محمد تقی

بگفته هرودتس در میان اقوام قدیم،حبشیها و مصریان و کلخسیها تنها مردمی‏ بودند که ختنه میکردند فنیقیان و فلسطینیان و سوریائیها و ماکرولها با قرار خویش اینعمل را از آنها گرفته‏اند.

مردمان کلخس مکه‏نژاد از مصر دارند و آنجا هم وقتی مستعمره فراعنه‏ بشمار میآمد این عمل را بایستی از مصر اقتباس کرده باشند و فنیقی‏ها پس از آشنائی‏ با یونان ختنه کودک نوزاد را ترک گفته‏اند.اما یهود که قومی ضعیف و متحصن در گوشهء از دیگر از عربستان بوده‏اند ممکن است از کشور نیرومند مصر که مدتی آنها را زیر تسلط خویش میداشت این رسم را گرفته باشند بگفته‏ «کلمان اسکندرانی»فیشاغورس که بمصر رفته بود ناگزیر ختنه کرده تا بتواند اسرار دینی را از کهنه فرا گیرد و کسی در آنزمان کاهن میشد که مختون باشد و این کهنه هنگام ورود یوسف بمصر هم بودند و تشریفات قدیم نیز در آنجا بشدت حفظ میشده است.

یهود 205 سال در مصر ماندند و خود ختنه نمیکردند و از مصر که‏ گریختند ببیابان سنیا آمدند در هرحال ممکن نبود که در این سنت معلم مصریها باشند-در آیه 9 باب 5 کتاب یوشع گوید:هنگامیکه بنی اسرائیل پس از عبور از اردن در زمین جلجال با کارد چخماقی مختون شدند«خداوند بیوشع فرمود امروز عار مصر را از شما زدودم»گویا عار همانستکه آنها در میان فتیقیان و مصریها و اعراب که بودند ختنه نمیکردند و ننگین بشمار می‏آمدند.

در کتاب تکوین مینویسد که ابراهیم ختنه کرده و بمصر هم رفته بود و پس‏ از او تا عصر یوشع یهودان ختنه نمیکردند.آنان مقرند که بسیاری از رسوم را مانند روزه شبهای جشن ایسیس و بخور و شستن باز وفا و وضو و افروختن شمع و قربانی گاو سرخ و پرهیز از خوک و ظروف مطبخ بیگانگان و تراشیدن سر کهنه از مصر گرفته‏اند و بزی را که بنام عزرایل ببیابان میفرستادند تا گناهان امت را با خویش برد آنهم تقلیدیست از مصر و ربانیون میگویند که این کلمه عبری نیست بس‏ مانعی ندارد که ختنه را نیز مانند همسایه خویش از آفریقا گرفته باشند چنانکه‏ غسل تعمید از رسوم کهن آسیائیها بوده و دین مسیح آنرا پذیرفت.ختنه پس‏ از آنکه بدستور یوشع میان عبرانیها اجرا گردید تاکنون باقیست.

اما مصریها در قدیم پسر و دختر هردو را مختون میساختند پس دختران‏ را معاف داشتند سرانجام آنرا مخصوص پیامبران و کهنه و ستاره‏شناسان‏ قرار دادند بنابراین پس بطاله بدین عمل نمی‏پرداختند و مؤلفین لاتینی که‏ یهود را از روی طعنه مختون مینامیدند بمصریها چنین سرزنشی نمیکردند.اعراب‏ هم این رسم را داشته و دارند و پس از اعلام بمصر نیز سرایت کرده و حبشیان از عربها تقلید نموده آنرا درباره پسر و دختر مجری میدارند.

در پیدایش این عمل میتوان چنین گفت:کاهنان شرق خود را با نشانه‏ های خاصی بخدایان اختصاص میدادند چنانکه کهنه باکوس baccaus (خدای‏ شراب)در بدن خویش با درفش برگ عشقه نگار میکردند و مؤمنین بخدای‏ ایسیس isis (خدای طب از زناشوئی و کشاورزی)بدست و گردن خود نشانه‏هائی‏ میزدند و کهنه سبیل cybece (خدای زمین)خود را خواجه میساختند.

مصریان که ابسیس را مولد آفریدگان روی زمین میپنداشتند،آلت‏ تناسل را هم محترم دانستهء صورت آنرا با ابهت و شکوهی در دسته‏های مذهبی‏ حرکت میدادند تا آن عضو ناچیز را که خدایان وسیله بقاء نوع‏ نوع قرار دادند بآستان ایسیس تقدیم کنند.یکی از عادات عجیب هوتن توتها hottentots (از مردمان افریقای جنوبی)اینستکه از کودکان نرینه خود یک‏ تخم‏زا میبرند و در نتیجه کودک فقط دارای یک تخم است و مردم آنجا بهمین جهت‏ تا سن معینی میتوانند تولید نسل بنمایند و این عادت عجیب فقط مخصوص همانجاست‏ و در قبایل دیگر سابقه ندارد.